نقد نظر
شماره دوم
مرداد و شهریور ماه ۱۴۰۴
۴

توسعهٔ فضاهای زیست و نقد

ناصر براتی
دکتري شهرسازي، دانشگاه بين‌المللي امام خميني قزوين و دانشگاه بين‌المللي سوره، ايران

نقد و انتقاد شاید عمری به اندازه بشر مدرن داشته باشد. هرگونه ایراد گرفتن از هر موضوعی را با هر هدفی می‌توان «نقد» دانست. تاریخ نشان می‌دهد که نقد (Critique) و انتقاد (Criticism) در واردشدن انسان به دوران مدرن و صنعتی، نقشی قابل تأمل داشته‌اند. شاید نقدهای ادبی و هنری در جامعه بیشتر شناخته شده باشند که البته در اینجا مورد نظر ما نیستند. در این مختصر هدف آن است که ارتباط بین نقد و پیشرفت، شکوفایی، توسعه و تعالی در محیط زیست انسان بطور مختصر مورد بررسی قرار گیرد.

نقد در انگلیسی به معنای تحلیل مفصلی است که توسط یک متخصص انجام می‌پذیرد. ریشه این لغت در انگلیسی از یک کلمه یونانی (کریتیکوس) به معنای قضاوت‌کردن و صدور حکم گرفته شده است (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به فرهنگ لغت‌ها در زبان‌های فارسی و انگلیسی؛ همچنین ن. ک. به: ویکی پدیای فارسی و انگلیسی ذیل کلمات فوق).

در یک نگاه اجمالی می‌توان مشاهده کرد که نقد در جامعهٔ ما، حتی اگر کاملاً دوستانه و خیرخواهانه باشد نیز با استقبال روبرو نمی‌شود. بواسطهٔ عوامل تاریخی و فرهنگی، در دوران معاصر، نقد و نقادی، آن‌طور که در غرب شایع است و به رسمیت شناخته می‌شود، مطرح نبوده و ریشه ندارد. هر چند در سال‌های اخیر، نشانه‌هایی از گرایش بسوی نقادیِ جدی و علمی از یک سو، و نقدپذیری و توجه به نقادان، از سوی دیگر، به چشم می‌خورد و این امر نوید یک جهش اصولی در حوزهٔ برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی، تصمیم‌گیری و مدیریت فضا و محیط‌زیست انسانی در کشور را می‌دهد؛ و باید از سوی مجامع علمی و پژوهشی مورد توجه و بهره‌برداری شایسته قرار گیرد. بدین‌ترتیب بسیار مطلوب خواهد بود که در این

DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.4
Email : nasserbarati1955@yahoo.com
نشریه مکتب نقدنظر، ۱ (۲): ۹-۴

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.4]

مقدمه مروری دوباره درحوزۀ موضوع نقد صورت پذیرد.
نقد و انتقاد هردو کلمات عربی هستند که وارد زبان فارسی شده و تا حدود زیادی جا افتاده‌اند. نقد در معنای رایج آن به «تفکیک درست از نادرست و خالص از ناخالص» اطلاق می‌شود. برای این دو عبارت معانی دیگری هم بکار می‌رود؛ مانند:

- خرده‌گیری و عیب‌جویی
- ارزیابی و نشان‌دادن ضعف و قوتِ یک موضوع
- سنجش و بررسی
- تشخیص، تمیز و ابهام‌زدایی
- بهین‌گزینی و سَره‌گزینی
- ارشاد و نصیحت خیرخواهانه
- ارشاد، نهی از منکر و امر به معروف

باید توجه نمود که در حوزۀ «نقد»، نقدکننده یا نقاد، یک فرد کارشناس و متخصصی است که بعد از بررسی کافی و علمیِ موضوع و دریافت نقاط ضعف و قوت آن، و نیز، برپایۀ واقعیت‌های موجود، نظر خود را مطَرح و در نهایت سعی می‌کند که پیشنهادات علمی، منطقی و کارگشایی را که بتواند نقاط قوت موضوع مورد بحث را تقویت و نقاط ضعف را حذف یا تعدیل نماید؛ و آنرا در قالب کلامی روشن و لحنی ملایم، آراسته و منصفانه ارائه دهد. زیرا هدف نهایی نقد، کمک به دیگران در راستای برطرف‌کردن ضعف‌ها و نواقص آنها یا کاری است که انجام داده‌اند. به‌همین علت از خرده‌گیری و تخریب شخصیت دیگران، انتقام‌گیری و تحقیر و توهین به آنان کاملاً منزه است.
در مورد «انتقاد»، موضوع متفاوت است. کسی که انتقاد می‌کند الزاماً کارشناس و متخصص حوزۀ بحث نیست. بدین‌ترتیب، قرار نیست منتقد بحثی تخصصی را به میان آورد. زیرا موضوع را مورد بررسی طولانی و تخصصی قرار نداده است. انتقاد می‌تواند تحت تأثیر امیال و احساسات و حتی رقابت‌ها و یا خصومت‌های فردی و شخصی و سیاسی ابراز شود. به همین علت امکان خطا و اشتباه در حوزۀ انتقاد به مراتب بیشتر خواهد بود.

ضرورت نقد

باید توجه داشت که نقد زمانی ارزشمند است و تأثیر بیشتر و عمیق‌تر خواهد داشت که متکی و مبتنی بر پیش‌فرض‌های علمی و منطقی باشد. ضمناً نباید متن نقد تبدیل به مرور و بررسی و یا تحلیل مطول و خارج از حوصله بحث باشد. همچنین نقد می‌باید، حتی‌الامکان، بر خلاف انتقاد، از اعتقادات، سلایق و احساسات شخصی فاصله گرفته و تنها بر نقاط ضعف و نواقص و نقاط قوت موضوع نقد متمرکز شود. با توجه به مطالب گفته شده، از آنجا که نقد، هدف سازندگی و یافتن و ارائۀ پیشنهاداتی قابل تأمل برای رفع نواقص و ناکارآمدی‌های احتمالی را دارد، در جهان مدرن، نقد را از لوازم غیرقابل انکار پیشرفت و توسعه محسوب می‌کنند.
در نتیجه، برای ورود به جهان متجدد و مدرن و قرارگرفتن در مسیر رشد و توسعه و تعالی واقعی، چاره‌ای جز پذیرش، گسترش، تعمیق و ترویج فرهنگ نقد و نقادی و نقدپذیری وجود ندارد. ضمن آن‌که، نکته بسیار مهم در اینجا این است که، هم‌زمان، جامعه ما نیاز

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.4]

به صبر، تحمل، رواداری، شجاعت و هوشمندی در میان طرفین نقد و نقادی دارد، امری که تاکنون، نشانه‌های بسیار ناچیزی از وجود آن در جامعهٔ ما به چشم می‌خورد. در حالی‌که نباید جای نقد و انتقاد را تعویض نمود و با این ترفند از بیان نقد علمیِ روشنگر و سازنده جلوگیری کرده و یا اعتبار آنرا زیر سؤال برد و یا بدان بی‌اعتنایی نمود.

به‌طور خلاصه ویژگی‌های نقد را می توان در موارد زیر بیان نمود:

- نقد بر مبنای تحلیل و ارزیابی کلی و لازم نسبت به یک موضوع خاص مطرح شده و همزمان ضعف‌ها و قوت‌ها، معایب و محاسن را بیان می‌کند
- نقد توسط افراد کارشناس و متخصص در یک رشته و موضوع خاص ارائه می‌گردد؛
- سعی می‌شود که هر نقدی با اتکاء بر رویکردهای علمی و مستندات منطقی بیان شود؛
- نقد بر مبنای منطق و استدلال علمی نقاط ضعف و قوت موضوع را موشکافی می‌کند؛
- نقد همواره مشتمل بر پیشنهادات و راه‌حل‌های مستدل و منطقی است.

به‌همین علت، نقد و نقادی، برخلاف انتقاد که فاقد بنیان‌های قویِ علمی و منطقی است، به‌ویژه در عرصه هنر، حتی می‌تواند تبدیل به یک شغل شود. این در حالی است که نقد و نقادی در حوزهٔ خلق و سامان‌دهی یا مداخله در محیط‌زیست انسان بسیار حساس‌تر و ضروری‌تر است. اگر در دنیای توسعه‌یافته ملاحظه می‌شود که روندها و فرایندهای توسعه و شکوفاییِ محیط‌زیست طبیعی و مصنوع همواره رو به بهبود و ارتقاء کیفیت هستند؛ بخش مهمی از آن، قطعاً، مرتبط با نقش‌آفرینی نقد در همه عرصه‌های مرتبط با آنهاست؛ از مدیریت و سیاست‌گذاری گرفته تا تصمیم‌سازی، اجرا، ارزیابی و حتی آموزش. به‌همین ترتیب، اگر در کشورها و جوامع در حال توسعه، حتی در کپی‌کردنِ برنامه‌ها و طرح‌های انجام شده در جهان پیشرفته، موفقیت چندانی مشاهده نمی‌شود؛ قطعاً یکی از عوامل اصلی این امر حذف و بی‌اعتنایی به نقد و جدی نگرفتن نقادان و به رسمیت‌نشناختن پدیدهٔ نقد و نقادی است

«نقد»، تحلیل تخصصی، علمی و سازنده با هدف ارائه راه‌حل است که توسط کارشناس صورت می‌گیرد، درحالی‌که «انتقاد» می‌تواند غیرتخصصی و احساسی باشد. پیشرفت شهرسازی نیازمند «نقد» به معنای دقیق کلمه است.

مدیریت شهری از گذشته تا امروز

حال باید دید که در کشور و جامعه خودمان چرا ما در حوزهٔ شهرنشینی و شهرسازی و مدیریت شهری در گذشته‌های دور به شکل نبوغ‌آمیزی موفق ظاهر شده‌ایم؛ ولی هرگز نتوانستیم در جهان معاصر آن موفقیت را ادامه دهیم و تکرار کنیم؟ آیا در گذشته ما هم از پدیدهٔ نقد در این عرصه سود می‌جسته‌ایم؟

پاسخ البته ساده نیست ولی می‌شود از آثار موجود و شواهد تاریخی حدس زد که فرق اصولی که مدیریت شهری و شهرسازی در گذشته با زمان حال داشته آن است که، درست برخلاف شرایط امروز، در آن دوران، اختیار محیط و مقدرات آن با مردم و فرهنگ عامه بوده است. فرهنگ تعیین می‌کرد که عناصر محیطی چگونه و به چه شکلی و درکجا ساخته شوند. حتی در ساخت و بناکردن قصرها و بناهای حکومتی کاملاً از فرهنگ جامعه تبعیت می‌کرده‌اند؛ و این سازه‌ها، یا بناهایی مثل مساجد جامع، دروازه‌ها، بازارها و غیره توسط مردم و براساس مهارت‌های فنی و فرهنگی آنها ساخته

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.4]

می‌شده‌اند. اگر نقدی هم بوده در واقع مرتبط با یک ارزیابی و داوری «درون‌ساز» بوده که در راستای کمال‌گرایی ذاتی در فرهنگ ایرانی عناصر و شیوه‌های تولید فضا به میزان قابل توجهی رو به سوی بهبودی و ارتقاء به مراتب بالاتر قابل تعریف بوده است؛ و این پدیده را می‌توان در حرکت کلی تاریخی فرهنگ و محیط در ایران مشاهده نمود

ولی با ورود الگوی وارداتی معماری، شهرسازی، و مدیریت شهری به روش مدرن، استیلای فرهنگ مردم و فرهنگ عمومی بر روند خلق و توسعه و مدیریت فضاهای شهری و حتی روستایی به سرعت جای خود را به غلبهٔ دولت مرکزی داد؛ و در این راستا و برای تحقق هدف تبدیل به یک جامعه مدرن (یا شبه مدرن) به پرچم‌داری دولت مرکزی‌شدن ساختارها، نظامات، الگوها، احکام، شیوه‌ها و روش‌ها، قوانین، ضوابط و مقررات مختلفی از خارج وارد و مستقر گردیدند. ماحصل نهایی این فرآیند، منجر به آن شد که دولت‌ها و شهرداری‌ها جایگزین جهان و روابط سنتی شدند. امری که برای ورود به جهان مدرن غیرقابل اجتناب و اجباری قلم‌داد می‌گردید. این ادعا تا حدودی درست بود. نظام جدید در غرب مجبور بوده است با یک دست نظام کلیسامحور قرون وسطا را پس بزند و با دست دیگر راه را برای جهان جدید متکی به علم و علم‌گرایی و صنعت و سرمایه‌داری باز کند. همین رویکرد درغرب، قانون مداری و اتکاء به روش‌های علمی را الزامی می‌نمود. بدین‌ترتیب، در حوزهٔ برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی و مدیریت فضاهای زیست، در انطباق با شرایط کلی یاد شده، روالی در پیش گرفته شد که بهبود محیط‌زیست و ارتقاء کیفیت آن بخشی جدایی‌ناپذیر از تلاش‌های بی‌وقفهٔ غرب برای تداوم حیات خود، و نیز، هم‌زمان، خلع سلاح رقبای پر نفوذی چون کمونیسم شد. اگر به نوشته‌های انتقادآمیز و تند نویسندگان غربی در دوران انقلاب صنعتی توجه کنیم که چگونه و مصلحت‌جویانه، وضع موجود محیط‌زیست آلوده شهرهای انگلستان را زیر سئوال برده و شدیداً در مورد عواقب انسانی و سیاسی- اجتماعی آن هشدار می‌دهند؛ متوجه خواهیم شد که این نقدها تا چه حد در اصلاح رویکردها و اوضاع شرایط محیطی در اروپا تأثیر داشته‌اند و به نوعی نقش ناجی را برای نظام سرمایه‌داری صنعتی بازی کردند (ن. ک. به: پاکزاد، ۱۳۹۴). محیط سیاسی- اجتماعی حاصل نیز ایجاب می‌نمود که بهبود و حرکت به سوی نوعی از بهسازیِ بی‌وقفه نیز تبدیل به یک امرغیرقابل اجتناب گردد.

برخورد علمی با تجربیات بدست آمده در طول زمان و همچنین مطرح‌شدن نظریهٔ «سیستم‌ها» توسط «برتالنفی» در سال ۱۹۶۰ بر این روند سرعت بخشید. «چدویک» در کتاب خود (نگرشی سیستمی به برنامه‌ریزی)، جزو نخستین کسانی بود که نقد در عرصهٔ شهر و مدیریت شهری و تصمیم‌سازی در این ساحت‌ها را از حاشیه به متن آورد؛ و با ترسیم نمودار چرخه‌ای خود، برای فرآیند برنامه‌ریزی، مرحلهٔ نقد و ارزیابی پس از اجرا را به‌عنوان آخرین مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی مطرح نمود (از جمله ن. ک. به: میرسپاسی ۱۳۸۱). از آن پس کلیه عوامل مؤثر و حاضر در فرآیند تولید و ادارهٔ فضای زیست با حداقل دو نوع نقد جدی روبرو بوده‌اند: نقد بیرونی (شامل اظهار نظرها و نظرسنجی‌ها و نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و امثالهم از خارج از فرآیند رسمی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری)؛ و نقد بیرونی (به‌عنوان بخشی غیرقابل تفکیک از فرایند رسمی مدیریت و برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی فضایی-شهری).

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.4]

راز پیشرفت‌های مستمر کشورهای توسعه‌یافته در سپهر مدیریت و برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شهری (شهرسازی) مدرن از جمله همین «نقدگرایی» و تقدس‌بخشی به نقد و قانون‌مداری به‌جای تقدس‌بخشی به مدیران و نخبگان در این حوزه‌هاست از جمله ن. ک. به: عادل صلواتی و همکاران - ۱۳۹۳).

کشور ما در یک صد سال گذشته همواره سعی داشته که در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری خود را هم‌پا و هماهنگ با کشورهای توسعه‌یافته نشان دهد. هزینه‌های بسیار کلانی هم در این خصوص صورت پذیرفته اما شوربختانه، حتی محافظه‌کارترین چهره‌ها در این حوزه، نمی‌توانند نارضایتی خود را پنهان نمایند. چرا؟ چون روندهای جاری رو به سوی بهترشدن و برطرف نمودن ضعف‌ها را ندارند و چنین ظرفیتی را اصولاً تولید نمی‌کنند. یکی از هنرمندان مشهور سینما در جایی گفته است: هر وقت از من می‌پرسند که بهترین فیلمی که بازی کرده‌ای کدام است در جواب می‌گویم فیلم بعدی! چرا؟ چون با بازی در هر فیلمی فکر می‌کنم کجای کارم ضعف داشته‌ام و چطور می‌توانستم نقشم را بهتر بازی کنم و تصمیم می‌گیرم که در فیلم بعدی نقاط قوت خودم را تقویت و نقاط ضعف خود را کاهش دهم

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حال اگر شرایط خودمان در کشور را مد نظر قرار دهیم می‌بینیم که از یک سو مدیریت شهری (بخصوص اینکه شهرداران مستقیماً از سوی مردم هم انتخاب نمی‌شوند) قانوناً مجبور نیست به هیچ نقد و انتقادی پاسخ دهد. برای همین نقدها و انتقادهای پراکنده و غیرسیستماتیک هم مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند و کمترین تأثیر را می‌گذارند. شهرداران حتی می‌توانند درست برخلاف پیشنهادات ناقدان عمل کرده و یا حتی آنها را تنبیه نمایند. در خصوص برنامه‌ها (طرح‌ها)ی توسعه شهری هم وضع اسفبارتر است. زیرا علاوه بر مشکل ساختاری طرح‌های جامع- تفصیلی که با جدا نمودن غیرعقلانی بخش کالبدی از بخش غیرکالبدی شهر (مثل اینکه بخش کالبدی انسان را از بخش غیرکالبدی جدا کرده و این بخش را برابر کلیت انسان قرار دهیم!) اصولاً در موضوع پیشرفت، تعالی و توسعه، از ابتدا، به بی‌راهه رفته است؛ و برای ابد باب نقد غیرمستقیم و نقد مستقیم (پایش و ارزیابی و اصلاح) را به روی خود و به روی فضاهای زیست انسانی (شهرها و روستاها) بسته است. به گونه‌ای که نه شرح خدمات منجمد طرح جامع قابل نقد است و نه در این شرح خدمات نقد و ارزیابی به رسمیت شناخته می‌شود. جالب است که نظام مدیریتی- اجرایی و همچنین جامعهٔ حرفه‌ای و حتی دانشگاهی، به گونه‌ای مسیر نقد و ارزیابی را مسدود نموده‌اند که حتی خودش هم قادر به گشودن این راه نیستند. در سینما، ناقدان حتی برای کار خود دستمزد دریافت می‌کنند؛ ولی در حوزهٔ محیطزیست و شهر و روستا و نحوه برخورد و مداخله و توسعهٔ آنها در کشور ناقدانی انگشت‌شمار داریم و همه می‌دانند که گفته‌های ایشان اغلب نه خریداری دارد و نه شنونده‌ای. باید به کسانی که معترض‌اند به اینکه ما چرا، در عرصه شهر و شهرنشینی و

راز پیشرفت و ارتقای کیفیت در شهرسازی کشورهای توسعه‌یافته، نهادینه‌شدن «نقد علمی و ساختارمند» است. در مقابل، بحران شهرسازی در ایران ریشه در حذف نقد و بی‌اعتنایی نظام مدیریتی به آن دارد؛ امری که راه هرگونه اصلاح و تعالی را مسدود کرده است.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.4]

مدیریت شهری و شهرسازی، نه افتخارات گذشته خود را حفظ نموده و به روز کرده‌ایم؛ و نه شباهتی به دنیای پیشرفته و متجدد قرن حاضر در حوزهٔ مدیریت شهری و شهرسازی داریم؟ گفت که باید، قبل از همه، بدنبال استقرار یک نظام قدرتمند و مؤثر و کارآمد نقد و نقادی برویم؛ و بدانیم (و تجربه‌های داخلی و خارجی هم بخوبی نشان می‌دهند) که هر روز تعلل در این امر، حرکت ما بسوی صلاح و درمان را سخت‌تر، پیچیده‌تر و دردآورتر می‌کند

منابع

- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۴). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی: از آرمان تا واقعیت*، جلد اول. تهران: انتشارات شهیدی و آرمانشهر.
- صلواتی، عادل و همکاران. (۱۳۹۳). تفکر سیستمی و استقرار مدیریت دانش، *مطالعات مدیریت راهبردی*، شماره ۱۸
- فرهنگ لغات فارسی و انگلیسی جستجوی لغات نقد و انتقاد
- میرسپاسی، ناصر. (۱۳۸۱). توسعه منابع انسانی در بستر توسعه سازمانی متکی بر نگرش سیستمی، *نگرش و تفکر سیستمی*، شماره ۴۸.

[Downloaded from jcr-sj.com on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/JCR.1.1.4.1.2.4]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained bye the authors with publication rights granted to Journal of Critical Reviews (JCR); The Iranian Journal of Critical Studies in Place. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/version4/)